

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

رؤوف افسانی

۳۰ جون ۲۰۱۷

در گرامیداشت ۳۱ خرداد [جوزا] روز پیشمرگ کومه له

امروز ۳۱ خرداد، روز پیشمرگ کومه له است. به مناسبت این روز به تمام زنان و مردان جانبخته پیشمرگه کومه له که جسورانه و سرافرازانه علیه رژیم اسلامی سرمایه در ایران و دیگر مرتجعین در کردستان جنگیدند و در راه آزادی و سوسیالیسم و آرمانهای کمونیستی جان باختند درود می فرستم. همچنین به خانواده های جانبختگان و پیشمرگان کومه له درود می فرستم.

چرا گرامیداشت و صحبت از روز پیشمرگ کومه له مهم است؟ قبلاً این را بگویم که منظور و خطاب من اشاره به دوران ۳۱ خرداد ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰ یعنی دوران کومه له قدیم است. به ویژه دوران حماسیهای دهه شصت. در بعد تشکیلاتی و قانونی این روند در کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران جاری است و من هیچ کدام از شاخه های انشعابی از کومه له را که به نام کومه له فعالیت می کنند به رسمیت نمی شناسم.

شخصاً به مدت ۱۱ سال به طور حرفه ئی و تمام وقت به عنوان یک پیشمرگ (پارتیزان) در سخت ترین دوران جنگ و مقاومت مسلحانه در کردستان ایران، یعنی در دهه شصت به همراه صدها رزمنده کمونیست زن و مرد پیشمرگ کومه له حضور و فعالیت داشتم. دورانی بسیار سخت و پر از ماجراهای خطرناک و حماسه های افسانه ئی بودند که هر لحظه اش ماتریال کتابها و فلم ها و داستانهای واقعی است. می خواهم بگویم که علی رغم سختیها و احیاناً اشتباهاتی که رخ می دادند و در چنین جنگهای وسیع و طولانی مدت امری عادی است، اما از تمام لحظه ها و روزها و ماه ها و سالهای آن دوران سخت و اما پر افتخار دفاع می کنم و افتخار می کنم که ۱۱ سال از بهترین دوران جوانی زندگی ام را علیه یک رژیم هار و فاشیست اسلامی که به فتوای خمینی جنایتکار به کردستان حمله کرده بود به دفاع و مقاومت و جنگ مسلحانه پرداختم.

اما باید یک نکته بسیار مهم را یادآور کنم؛ درست بود که ما پیشمرگان کومه له آن دوران (دهه ۶۰) با ایمانی راسخ و جسارتی کم نظیر و تجربه های نظامی جنگ پارتیزانی بالا می جنگیدیم و پایگاههای دشمن را تصرف می کردیم و محاصره های چند صد نفره سپاه پاسداران و بسیج را درهم می شکستیم، اما باید اقرار کنم که ما "رامبو" نبودیم و با پشتیبانی و همکاری بی نظیر و از خودگذشتگی زنان و مردان و جوانان زحمتکش و دلسوز منطقه و به خصوص

مناطق روستائی ادامه فعالیت می دادیم. شخصاً بارها با کمک مردم از محاصره و جنگ و گریزهای خطرناک و نابرابر دربار شدم. از همینجا به تمام آن زنان و مردان و جوانانی که آنهمه زحمت کشیدند و فداکاری کردند درود می فرستم. ادامه زندگی خیلی از ما پیشمرگان قدیمی مدیون فداکاریها و دلسوزیهای شماست. درود بر شما!

به همین مناسبت در جواب مزدوران و طرفداران آنروزی و امروزی رژیم اسلامی و شبه لیبرالهای "دمکراسی طلب" و توده ای- اکثریتیهای خائنی که می گفتند "سپاه پاسداران را به سلاحهای سنگین مجهز کنید" و یا همان پاسدارها و مأموران امنیتی سابق که تحت نام "تحلیلگر سیاسی" و این روزها به ویژه در رادیو و تلویزیون وزارت خارجه بریتانیا (بی بی سی فارسی) فعالند، از "خسونت" و این که ما نباید مسلحانه با رژیم می جنگیدیم حرف می زنند باید بگویم مگر شما کر و کورید؟ این همه خسونت و سرکوب و جنایت را سالهاست از رژیم مطلوبتان ندیده و نشنیده اید؟ بعد از خاتمه جنگ عراق و ایران عملاً جنگ مسلحانه در کردستان هم متوقف شده است، اما خسونت و کشتار و ترور و قتلهای زنجیره ئی رژیمتان بیشتر و بیشتر شده و تا امروز هم ادامه دارد. پس لطفاً دیگر زوزه نکشید!

از نظر من به عنوان یک کمونیست، پیشمرگایتنی جنبش تعریف شده و مطلوب ما نبود و نیست. جنبش مطلوب ما جنبشهای کارگری و اجتماعی است. اما به عنوان کمونیست های دخالتگر در جنبش مسلحانه ای که بعد از انقلاب ۵۷ به خاطر حمله نظامی به کردستان بر ما تحمیل شد بدرستی و فعالانه در آن شرکت کردیم و در بخشی از رهبری و هدایتش قرار گرفتیم. جنبش پیشمرگایتنی سنت و شیوه فعالیت جا افتاده و قدیمی تر ناسیونالیسم کرد در کردستان بود. بعد از انقلاب ۵۷ به عنوان یک ظرف آماده و همه پسند در بین مردم کردستان مطرح شد. کومه له آن دوران به عنوان کمونیستهای انقلابی در آن شرکت کردیم و علیه ارتجاع اسلامی خمینی و در دفاع از مطالبات دمکراتیک انقلاب ۵۷ و مردم کردستان که مورد هجوم قرار گرفته بودند به مقاومت مسلحانه دست زدیم. در آنطرف گروههای دیگری که اتفاقاً در آن زمان به اصطلاح به نام کمونیست فعالیت می کردند، امثال حزب توده و چریکهای اکثریت در رکاب ارتجاع خمینی قرار گرفتند و علیه مردم کردستان ایستادند و عاقبت سرنوشت بسیار آسفباری پیدا کردند. اما ما به عنوان پیشمرگ و برای دفاع از کارگران و زحمتکشان کردستان و علیه خرافات مذهبی و دفاع از حقوق برابر زنان با مردان و غیره جنگیدیم. این کومه له بود که برای اولین بار در سطح وسیع زنان پیشمرگ را مسلح کرد. در برابر جنگ تحمیلی از طرف حزب دمکرات کردستان قاطعانه ایستادیم و حضور کارگر و کمونیست مسلح در کردستان را به آنها تحمیل کردیم. دوران بسیار سخت و پر از فرازونشیبی را پشت سر نهادیم. بالاخره تعدادی از همسنگرانمان جان باختند و بقیه به تبعید آمدیم و اما سرافرازانه کوتاه و تسلیم نشدیم و تأثیرات بزرگ و مثبتی را در جامعه و در بین مردم ثبت کردیم.

صحبت از این روز نه تنها از بعد سیاسی و مبارزاتی، بلکه از بعد شخصی و عاطفی هم برای من و صدها رزمنده کمونیست صفوف کومه له آن دوره معنای مهمی دارد. خیلی از همسنگران ما در کنار ما جان باختند و یا زخمی و معلول شدند. ما صرفنظر از این که الان چگونه فکر می کنیم و کجا قرار گرفته ایم نمی توانیم آنها را به فراموشی بسپاریم. آنها بخش جدائی ناپذیر از آن دوره از زندگی مبارزاتی و افتخارات ما هستند. وفاداری به آرمانها و جان باختن آن عزیزان بخشی از اخلاق انقلابی و کمونیستی است. رزمندگان کمونیستی که با شعارهای زنده باد سوسیالیسم! و زنده باد حزب کمونیست ایران! در سنگرهای نبرد مسلحانه و یا در سپاه چالهای رژیم جنایتکار اسلامی ایران جان باختند. در اینجا لازم است تأکید کنم که مقاومت و رزمندگی زندانیان سیاسی کمونیست در آن دوره در شکنجه گاههای رژیم اسلامی به مراتب مهمتر و بیشتر از فعالیت ما پیشمرگان مسلح بود. درود بر شما!

اما به طور واقعی هم کومه له و هم پیشمرگ کومه له و هم شرایط سیاسی و ضرورت‌های که مبارزه مسلحانه را ایجاد می‌کرد بعد از جنگ ایران و عراق و به ویژه بعد از جنگ اول خلیج فارس تغییر کرد. همانطور که در پاراگراف قبلی اشاره کردم مبارزه مسلحانه در کردستان یک سنت ناسیونالیستی است و کل هویت و ستراتیژی و جنبش احزاب ناسیونالیسم کرد را تشکیل می‌دهد. به دلیل این که هدف این احزاب محدود به حل مسأله کرد و یا مشارکت دادنشان در بخشی از حاکمیت است و نه سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، لذا از طریق مذاکره و بده بستانها با رژیم و یا دیگر معادلات سیاسی منطقه نی و جهانی ممکن است به هدف برسند. مثل کردستان عراق. پس مبارزه مسلحانه برای این هدف و گرفتن امکانات و امتیازهایی از طرف دولت‌های رقیب در منطقه برای احزاب ناسیونالیست در کردستان بسیار حیاتی است و اما برای یک حزب کمونیستی که هدفش سرنگونی رژیم حاکم سرمایه داری و ستراتیژی اش انقلاب کارگری است مسأله کاملاً متفاوت است. سازماندهی انقلاب کارگری متکی است بر مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر و همراه کردن دیگر جنبشهای رادیکال و آزادیخواهانه با خودش. و اساساً شهرها و مراکز پرجمعیت کارگری مبنای تمرکز فعالیت است. مبارزه مسلحانه و استفاده از اسلحه در این سیستم نمی‌گنجد.

مبارزه مسلحانه برای کمونیستها تنها یک تاکتیک است که بنا به شرایط خاصی در خدمت تقویت و رشد مبارزات کارگری و توده نی و تقویت و حفظ دستاورد های انقلابی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما یک حزب کمونیستی واقف است که در کردستان مسلح بدون استفاده از اسلحه و نیروی مسلح دستت به جایی وصل نیست. این را تجربه نشان داده است. لذا آمادگی و نقشه برای سازمان دادن و آماده کردن یک نیروی نظامی در محیط زیست و کار به همراه مبارزات جاری و روتین حزبی در دستور کار همیشگی قرار می‌گیرد. اتفاقاً انتقاد ما به کومه له تشکلات کردستان حزب کمونیست این است که از این سنت ناسیونالیستی احزاب کردی دست بکشد و دیگر در اردوگاههای بسته در انتظار بلاتکلیفی نماند و به سنت فعالیت کمونیستی در جنبش کارگری و شهرها متکی بشود.

در پایان به مناسبت این روز تاریخی ضمن درود و قدردانی از نقش و فداکاری همه پیشمرگان آن دوره، حیفم آمد یاد و تشکری از محمد کمالی گوینده خوش صدا و حماسی عملیات های نظامی پیشمرگان کومه له و مصلح ریویار نویسنده حماسی برنامه های افق انقلاب (ناسوی شورش) که خوشبختانه در قید حیاتند نکنم. صدای حماسی محمد کمالی و گفتارهای زیبای افق انقلاب مصلح ریویار در رادیو صدای انقلاب (رادیو کومه له) آن دوره بخش جدائی ناپذیر رزمندگی و حماسه های دهه شصت می باشد.

گرامی باد ۳۱ خرداد [جوزا] روز پیشمرگ کومه له!

۳۱ خرداد [جوزا] ۱۹۹۶ برابر با ۲۱ جون ۲۰۱۷